

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حزب کار ایران (توفان)
۰۳ اکتوبر ۲۰۲۱

باز هم درباره تحولات اخیر در افغانستان و شکست امپریالیست های امریکائی و ناتوئی

«به مسیر خویش ،

تاریخ ،

سپاه خلق ها را ،

بروند ، ره نماید ،

نروند ، می کشانند.

به هر آن که بهر او خاست ،

مدد دهد ز هر سو.

و هر آن که ضد او خاست ،

به جاش می نشانند. »

این سروده کوتاه ولی نغز ، اشاره به تحولات و دگرگونی های تاریخ بشریت و به عبارتی ، نگاهی به اصل بنیانی «ماتریالیسم تاریخی» دارد که در حرکت آرام ورو به تکامل خویش ، تلاش های بیهوده و عبث برده داران دوران «برده داری» ، شاهان و اشراف و کلیسای زمان «فئودالیسم» و قدر قدرتی امپریالیست ها در «سیستم سرمایه داری» را برای «حفظ قدرت و بقای ابدی خود» عیان می سازد.

امپریالیست ها و صاحبان سرمایه های انحصاری و مالی غرب به رهبری امریکا با انواع ترفندها و باگردن کشی تمام در تلاشند که مسیر تاریخ را به نفع خود تغییر داده تا شاید به مانند امپراتوری های رُم ، اعراب ، مغول ، عثمانی ، انگلیس و غیره از سقوط و اضمحلال خویش جلوگیری نمایند! برای نیل به چنین هدفی، زمین را غرقه به خون و طبیعت زیبا و دلکشا را به نابودی می کشانند.

در مصاف با قدرت های نوظهور ، به ویژه چین که بازارهای جهانی را قبضه کرده است ، با قدری تمام و به زور اسلحه و دالر، خاورمیانه نفت خیز را به خاک و خون می کشند بلکه صدور نفت این منطقه به چین را در اختیار گیرند . افغانستان را به اشغال نظامی درمی آورند تا بر آسیای میانه (مرکزی) تسلط پیدا کرده و با ایجاد پایگاه های نظامی، کشورهای «بیاعی» ایران و چین و روسیه را تحت کنترل داشته باشند!

ولی علی رغم چنین جنگ افروزی ها، درایران، عراق، سوریه، یمن و افغانستان شکست می‌خورند و زخمی و سرافکنده، دست از پا درازتر، به گُنام خویش بازمی‌گردند و قادر به درک این حکم تاریخ نیستند که اتخاذ چنین سیاست‌های قدرمآبانه، به نوعی کشتی به خشکی راندن است. به گفته حافظ:

«عرض خود می‌بری وزحمت ما می‌داری».

منطق خرد تاریخ، برای انسان‌ها و برای همه موجودات زنده، در آزادی و استقلال زیستن است. هیچ نیروئی حتی بزرگترین قدرت‌های جهانی، در دراز مدت، قادر به بند کشیدن این خواست طبیعی آدمیان نیست. حتی اگر این نیرو بخواهد «مذهب» باشد که نفوذی عمیق هزاران ساله در مردمان پنج قاره دارد!

مسیحیت دوران قرون وسطی، باتمام خشونت سُبَّعانه اش، بامحکمه تفتیش عقایدش و زنده سوزاندن بیش از ۳۲۰۰۰ انسان دانشمند و متفکر، «ره به ترکستان» برد. شیعه خمینی هم به رغم بگروبیند و کشتارهای اوایل انقلاب، خود تیشه به ریشه «اسلام عزیز» زد و عاقبت شمشیر و سپرش را به زمین گذاشت و توسط مردمی که عاشقش بودند ازما به کف خیابان کشیده شد. طالبان حنفی مذهب هم اگرچه فعلاً در مبارزه علیه استعمار و اشغالگران بیگانه نیرو و مشروعیتی کسب کرده اند اما به مانند «خمینیسم» دیربازود با نقد ایدئولوژی عقب مانده آنان و خصوصاً نحوه دولت‌مداری شان توسط مردم آزادی‌خواه و حق طلب افغان، درکوران مبارزات طبقاتی، عقب رانده خواهند شد.

همانگونه که جمهوری اسلامی ایران مشروعیتش رادرسرنگونی رژیم وابسته شاه و بیرون راندن ده‌ها هزار مستشار امریکائی به دست آورده بود، کم و بیش و به همان اندازه هم می‌توان برای طالبان، صرفنظر از ماهیت ارتجاعی هردو رژیم، چنین مشروعیتی، هرچند ناقص و پرازتناقض، قائل شد. براین اساس بدترین نوع مبارزه با طالبان و طالبانیسم و جمهوری سرمایه داری اسلامی ایران، تکیه و درخواست «کمک بشردوستانه» از کشورهای بیگانه و استعمارگراست. زیرا که حمایت و کمک بیگانگان به مخالفان طالبان و مخالفان رژیم ایران، درواقعیت، حمایت ازاین رژیم‌ها و ایدئولوژی آنان است. همان‌گونه که مخالفت هیستریک و غیر طبقاتی بامذهب ثمری جز تقویت مذهب درپی نخواهد داشت.

این حق مسلم ملت های جهان، صرفنظر از تفکر، مذهب، نژاد، قومیت و اندازه پیشرفت و فرهنگ و تمدن شان است که خود سرنوشت خویش را در دست بگیرند تا به آزادی، استقلال، دموکراسی و عدالت واقعی دست یابند.

صدور «دموکراسی»، «حقوق بشر»، «سکولاریسم»، «آزادی حجاب» از جانب بیگانگان، هر قدر هم قوانینی پیشرفته باشند، نتیجه عکس داده و پس زده خواهند شد.

چنین مفاهیم زندگی ساز را باید درپروسه مبارزه به دست آورد و نه این که از بیگانگان طلب نمود.